

مسرووره مختاری<sup>۱</sup>، مهرداد آقایی<sup>۲</sup>، فرحناز نصیری<sup>۳</sup>

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران

[mmokhtari@uma.ac.ir](mailto:mmokhtari@uma.ac.ir)

۲. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران

[almehrs@yahoo.com](mailto:almehrs@yahoo.com)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، (گرایش ادبیات تطبیقی) دانشگاه محقق اردبیلی، ایران

(دبیر رسمی آموزش و پرورش شهرستان مشکین شهر)

[farahnaznasiri@gmail.com](mailto:farahnaznasiri@gmail.com)

## چکیده

ادبیات هر عصری آینه‌ای است که احوال حاکم بر آن زمان را منعکس می‌کند. اشعار پروین اعتصامی بیانگر تفکر و تعمق وی در مسائل روزگارش (عصر مشروطه) است. اگرچه درباره‌ی آثار این شاعر، تحقیقات باارزشی صورت گرفته است، غور در سروده‌های حکیمانه‌ی ایشان، در عصر امروز، برای داشتن ارتباط اجتماعی سالم و اخلاق‌مدار ضروری به نظر می‌رسد. این جستار، با مطالعه در تمام سروده‌های این شاعر توانمند، اندرزهای اجتماعی را بیرون کشیده و مطابق با سخنان بزرگان و تعالیم دین مبین اسلام تحلیل کرده است. مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی عبارتند از: آزادی، اندرز به جوانان، توجه به حال ایتم و حقوق آنها، توصیه به سعی، تلاش و کار، حمایت از اقشار زحمت‌کش و انتقاد از فقر و محرومیت، انتقاد از بی‌عدالتی، نابرابری اجتماعی و فاصله‌ی طبقاتی در جامعه، انتقاد از تجمل و رشوه خواری، تبیین منزلت زن و دفاع از حقوق او و انتقاد از بی‌مهری مردم زمان نسبت به همدیگر. حاصل سخن این‌که: وی ضمن داشتن عواطف بسیار رقیق زنانه، از توجه به مسائل اجتماعی و اخلاقی جامعه‌ی خویش غافل نبوده و همچون جامعه‌شناسی مسایل مهم جامعه خویش را از زوایای مختلف نگریسته و برای رسیدن به جامعه‌ی آرمانی قدم برداشته است.

واژگان کلیدی: اندیشه‌های اجتماعی، اندرزهای اجتماعی، پروین اعتصامی.

## ۱. مقدمه

ادبیات هر عصری نمایانگر احوال حاکم بر آن زمان است، شاعران با بهره‌گیری از زبان شعر، مکنونات درونی خود را متجلی می‌کنند. با تجزیه و تحلیل اشعار آنان، می‌توان به نحوه‌ی تفکر، جهان‌بینی و باور شاعر نسبت به مسائل جاری دست یافت. دیب راستین نمی‌تواند با دو وجدان زندگی کند؛ وجدانی با خودش و وجدانی با مردم، ادیب راستین با یک وجدان با خود و جامعه‌اش مواجه می‌شود و مشکلات خود را از مشکلات جامعه جدا نمی‌دند و چه بسا مشکلات مردم را در مرتبه‌ی اصل و اساس قرار می‌دهد.

شعر همان چارچوبی است که مخاطبان و شاعران را به هم پیوند می‌دهد و بین مخاطبان و سرایندگان، همدلی و هم‌زبانی و گاه هم‌زادپنداری ایجاد می‌کند. «اگر هدف دوردست شاعر تحقق یابد و انسجام و سازگاری بین او و زندگی باشد، در حقیقت بدان وسیله از هدفی سخن می‌گوید که جامعه در پی آن است. (اسماعیل، ۱۳۹۱: ۳۴۳)

رخشنده اعتصامی، مشهور به پروین اعتصامی (۱۳۲۰-۱۳۸۵ ه.ش)، از شاعران ادبیات معاصر فارسی است. یگانه اثری که از وی به جای مانده دیوان شعری او است که دارای اشعاری نغز است. پروین در روزگاری پرمسأله می‌زیست (باحقی، ۱۳۹۱: ۱۷۳)

اعتقاد والای این شاعر معنا‌باور به حقایق عملی، زندگی معنوی و حیات عرفانی دیوان او را به یک رساله‌ی اخلاقی استوار تبدیل کرده است و شعرش را مکتب‌خانه‌ای برای ادب‌آموزی و تعلیم و تربیت راستین نشان می‌دهد. این شاعر پاک‌طینت از لغوگویی پرهیز داشته و گنجینه‌ی ذخّاری از پاک‌نگری، سلیم‌اندیشی، حقیقت‌محوری، اعتقاد جدی به اصول و قواعد انسانی و دینی، بالا-نگری عرفانی و تسلیم به مشیت الهی را از خود به منصفی ظهور برآورده است. پس از ارزش ادبی و بلاغی، عظیم‌ترین بخش گفتار-های وی را همین بعد سلامت فکری و نزاهت اخلاقی شکل می‌دهد. (فیضی، ۱۳۸۳: ۲۰۷) آن‌چه مطلوب او است و به اعتقاد او استقرار عدالت و غلبه‌ی خیر و محبت در عالم را ممکن می‌سازد؛ تربیت اخلاقی است که بین ایمان و عمل تعادل به وجود می‌آورد و زندگی انسان را از حد ارضای شهوت‌ها و نیازهای مادی، برتر نشان می‌دهد. (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۳۷۲)

پروین در آثار خویش سیمای یک شخصیت اخلاقی جهان‌دیده را به خود می‌گیرد. او به تمام معنی یک شاعر سخن‌دان بوده و از طراز اول شعرای معاصر ادب فارسی است. متانت سخن و استحکام بیان یک شخصیت قوی و مقام بلندی در ادبیات فارسی برای او تأمین کرده است. (قدمیاری، ۱۳۸۷: ۷۶)

## ۱-۱. بیان مسئله و ضرورت پژوهش

نهضت مشروطیت با توجه به مقتضیات خاص اجتماعی و سیاسی، در چگونگی شکل‌گیری ادبیات این دوره تأثیر بسزایی بر جای گذاشته است. آثار این دوره، شامل آن بخش از ادبیات فارسی است که از یک سو ریشه در سه دهه‌ی واپسین پادشاهی ناصرالدین - شاه دارد و از سوی دیگر ویژگی‌های عام آن تقریباً در سال‌های منجر به کودتای ۱۲۹۹ شمسی و حتی در سال‌های پس از آن در ادبیات فارسی پدیدار می‌شود. ادبیاتی که همه‌ی تلاش مردم ایران برای دستیابی به حکومت قانون و رهایی از نظام استبدادی در آن بازتابنده است. تغییرات سیاسی و اجتماعی ایران در عصر مشروطیت، نگرش جامعه را نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی متحول کرد. به موازات آن بازتاب این تغییر در عرصه‌ی ادبیات به ویژه در شعر، به وضوح نمایان شد. با توجه به تغییری که در شعور سیاسی و اجتماعی مردم جامعه رخ داد، شعر نیز، به لحاظ محتوا و هدف، دربار را ترک گفته، به کوی و برزن آمد و سرشار از خون، فریاد، زندگی و آرمان‌گرایی شد. به طور کلی موضوعاتی مانند: وطن، آزادی، قانون، فرهنگ نو، تعلیم و تربیت جدید، ستایش علوم جدید، مسأله‌ی زن، انتقاد از اخلاقیات سنتی، مبارزه با خرافات مذهبی و... از جمله مهم‌ترین مضامین و مفاهیمی است که تحت تأثیر ارتباط با غرب در ادبیات دوره‌ی مشروطه اجازه‌ی بروز و ظهور پیدا کرد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۷۱)

پروین اعتصامی نیز از شاعران اواخر دوره‌ی مشروطیت است، جامعه و زمان پروین زمانی است که تقریباً می‌توان گفت تمام لشگرکشی‌ها برای اعمال و تحمیل یک سری از معیارهای فرنگی به جامعه‌ی ایران تدارک شده است، زمانی که تقریباً می‌شود گفت بی‌هویت کردن جامعه‌ی ما و از ملیت انداختن آن در اوج خود قرار دارد و پروین در واقع زاینده‌ی این عصر است و شعرهایش دقیقاً پاسخ به این وضع اجتماعی و فرهنگی است. در اشعارش صدای اعتراض و طغیان بلند است. او شاعری آگاه به زمان است و مبین درد دل همه‌ی مردم زمان خویش است و دعوت‌کننده به ملیت و فرهنگ خویش، دعوت‌کننده به ارزش‌های خویش و مبارزه‌گر بر علیه ارزش‌های بیگانه است. (خلیجی، ۱۳۷۶: ۲)

یکی از نکات قابل تأمل در اشعار پروین اعتصامی توجه به نگرش‌های سیاسی و اجتماعی او است و هویت تاریخی او به صورتی تنگاتنگ با این موضوع گره خورده است. اشعاری که از تلقی‌های سیاسی و فرهنگی او از اجتماع عصرش ملهم شده است. پروین در پرونده‌ی شعرش برای اجتماع فایلی باز کرده و آن را موضوعی اساسی و جدی می‌انگاشته است. جای شک نیست پروینی که در دیوان بانو اعتصامی نهفته است، کامل‌ترین تصویری است که از وجود او می‌توان به دست آورد. نشانی شاعر این دیوان را نخست باید از اعتقادات سیاسی او جست، چرا که هیچ بعدی از ابعاد پروین مثل ابعاد اجتماع‌گرایانه و سیاست‌پیشگی وی واضح و حیرت‌آور نیست.

پروین بنا بر آنچه که تاریخ از او روایت می‌کند و دیوانش نیز با قدرت و قوت حاکی از آن است، شاعری بوده است؛ دارای موضع، معتقد به اصلاح، دارنده‌ی شخصیت سیاسی - اجتماعی و اهل فهم و درد به تمام معنا. او در زمانه‌ای می‌زیست که دروغ، ریا، جهل و ستم جای همه چیز را در ایران آن روزگار گرفته بود و پروین از اوضاع نامساعد حاکم بر جامعه‌ی عصر خود مضطرب و دل - آشوب بود. به‌طور کلی پروین شاعری درآشنا، درون‌گرا و در عین حال خشمگین و معترف بود.

سخنان پروین دربردارنده‌ی سخن سخنوران مسئولیت‌پذیر و اندیشمند است، این ویژگی اشعار او را در خور تحقیق کرده است. این شاعر بزرگ در ایران چنان که باید شناخته نشده است، بدیهی است که بهترین راه شناخت کامل پروین درک و فهم مفاهیم اشعار او تدقیق در مظاهر اندیشه و هنر اصیل پروین است. با تفحص و تأمل در ایدئولوژی و مضامین شعری پروین می‌توان بسیاری

از ویژگی‌های جامعه‌ی عصر او را تبیین کرد و به نکات بدیعی درباره‌ی ادبیات فارسی عصر مشروطه دست یافت. با توجه به آن چه ذکر شد، پژوهش حاضر بر آن است، به تحلیل مهم‌ترین اندیشه‌های اجتماعی این شاعر عرصه‌ی ادب فارسی بپردازد.

## ۱.۴. پیشینه‌ی پژوهش

مطالعه در پیشینه‌ی مقاله‌ی حاضر نشان می‌دهد که درباره‌ی مضامین اشعار پروین اعتصامی مقالات بسیاری نوشته شده است که در زیر به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود.

- خلاصه‌ی مقالات کنگره‌ی یکصدمین سال تولد پروین اعتصامی به اهتمام منوچهر اکبری در تهران (۱۳۸۵)، ضمن دیباچه‌ای از اکبری، خلاصه‌ای از بیست و دو مقاله در رابطه با افکار و مضامین شعری پروین از قبیل: «نور یزدانی» از مهین پناهی، «نگرشی کلی بر زوایای فکری، سیاسی و اعتقادی پروین» از محبوب طالعی، «پروین عارفی اخلاق‌گرا و اجتماعی» از فاطمه مدرس و... گردآوری و چاپ شده است.

- یادمان پروین به مناسبت پنجاهمین سالگرد در گذشت پروین اعتصامی، به کوشش سید محمود طباطبایی اردکانی در تهران انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۷۶) چاپ شده است، در این یادمان ضمن اشاره به سخنرانی محسن خلیجی و محمود طباطبایی درباره‌ی زندگی و شعر پروین، بیست و سه مقاله در رابطه با افکار و مضامین اشعار پروین از قبیل: «انعکاس مسائل سیاسی و اجتماعی در دیوان پروین» از احمد تمیم‌داری، «ستم‌ستیزی در شعر پروین» از سید محمد حسینی، «پروین و اخلاق» از سوسن امیر قاسمی و... گردآوری شده است.

- مقاله‌ی «تبیین هویت سنتی و مدرن زن در اشعار پروین اعتصامی» نوشته‌ی مریم صادقی گیوی و بهاره پرهیزکاری، این مقاله در فصلنامه‌ی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی» چاپ شده است. نویسندگان در این مقاله دیدگاه‌های پروین را درباره‌ی زن در دو بعد سنتی و مدرن مورد بررسی قرار داده‌اند، در بعد سنتی به ویژگی‌های یک زن به عنوان مادر، همسر و... پرداخته شده است و در بعد مدرن ویژگی‌هایی از قبیل، اصالت فکر، علم، تعامل و... مورد بررسی قرار گرفته است و تأکید شده است که زن با کسب علم و اصالت فکر در ایفای نقش‌ها می‌تواند، مؤثر باشد.

- مقاله‌ی «پروین و اخلاق» نوشته‌ی سوسن امیرقاسم‌خانی، این مقاله در سال ۱۳۷۶ در کتاب «یادنامه‌ی پروین» به‌وسیله‌ی انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی تهران چاپ شده است. نگارنده در این مقاله ضمن نگاهی اجمالی به جنبه‌های اخلاقی اشعار پروین، دیدگاه‌های او را در زمینه‌های گوناگون از جمله: بینش پروین درباره‌ی اعتقاد به خداوند، شرط نیکنامی از دید پروین، لازمه‌ی داشتن دل پاک و... را با تکیه بر اشعار او بررسی کرده است.

- مقاله‌ی «پروین، شاعر اخلاق» نوشته‌ی شهباز محسنی، این مقاله در سال ۱۳۷۶ در کتاب «یادنامه‌ی پروین» به‌وسیله‌ی انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی تهران چاپ شده است. نگارنده در این مقاله پس از بحث درباره‌ی اهمیت اخلاق از نظر فلاسفه و پیشوایان مذهبی به بررسی خصوصیات اخلاقی پروین پرداخته است و به هنر بارز پروین در استفاده از تمثیل، دیالوگ (مناظره) و انسان‌وارگی در بیان مفاهیم اخلاقی اشاره کرده است.

- مقاله‌ی «آموزه‌های دینی در آیین‌های شعر پروین اعتصامی» نوشته‌ی سهیلا لویمی و فرخنده بهامیریان قهفرخی، این مقاله در سال ۱۳۸۹ توسط نشریه‌ی «زن و فرهنگ» منتشر شده است. در این مقاله نگارنده، ضمن اشاره به وجود اخلاق اسلامی در شعر پروین درباره‌ی بهره‌گیری پروین از تمثیلات قرآنی، نحوه‌ی به کارگیری آیات قرآنی و شیوه‌ی بهره‌گیری از ترکیب‌های قرآنی بحث کرده است و به تبیین آموزه‌های قرآنی منعکس در دیوان پروین مانند: ترک خودرأیی، پیشه کردن تقوا و... پرداخته است و چنین نتیجه گرفته است که پروین در سرودن اشعار تعلیمی خود از آیات قرآن کریم به انحاء گوناگون نظیر: تلمیح، اقتباس و عقد استفاده کرده است.

با توجه به آنچه در ذکر پیشینه‌ی پژوهش حاضر گذشت، می‌توان گفت: در غالب مقالات شمه‌ای از اندیشه‌های پروین بررسی شده است و درباره‌ی اندیشه‌های اجتماعی پروین اعتصامی به طور گسترده تحقیق و پژوهش مستقلی انجام نگرفته است.

## ۲. بحث و بررسی

شعر تصویر حیات است که به صورت حقیقت جاودانه‌ی خود بیان می‌شود. شعر کلی است و نطفه‌ی ارتباط با همه نوع انگیزه‌ها یا اعمالی را که در انواع ممکن طبیعت بشری موجود است، در درون خود دارد. (دیچز، ۱۳۸۸: ۱۹۲) هنر دقیق‌ترین بیان احساسات معاصر است. دید انسان نسبت به اشیاء ارزشیابی‌های اخلاقی و اولویت‌های عاطفی او در بیان مستقیم هنری او از محسوسات تجلی پیدا می‌کند. هنر با جهان‌بینی خاصی تطبیق می‌کند این جهان‌بینی همان است که از «روح زمانه» اراده می‌شود. (شوکینگ، ۱۳۷۳: ۱۶) «بونال» ادبیات را زبان جامعه می‌داند، هر جامعه‌ای را دارای ادبیاتی است که لیاقتش را دارد. پیروان نظر بونال عقیده دارند که ادبیات را باید به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی پذیرفت. (کهنمویی، ۱۳۸۹: ۹) شاعران و نویسندگان ادبی به عنوان عضوی از جامعه باورها و ارزش‌های دینی حاکم بر جامعه‌ی را در آثارشان منعکس می‌کنند و برای اصلاح جامعه به بیان تفکرات خود می‌پردازند.

مطالعه در اشعار پروین اعتصامی نشانگر این مطلب است که این شاعر مسلمان با تأسی از دستورات و تعالیم غنی دین مبین اسلام به ویژه با اقتباس از آیات نورانی قرآن کریم برای اصلاح ساختارهای اجتماعی عصر خویش و هدایت هم‌نوعان خود به صراط مستقیم و پرستش خداوند یکتا به بیان اندرزه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی پرداخته است. در ذیل اهم اندیشه‌های اجتماعی مطرح شده در اشعار پروین اعتصامی تحلیل می‌شود.

## ۲-۱. آزادی

آزادی به معنی حق و اختیار و به طور کلی مختار بودن شخص در گزینش اعمال و رفتار خود است، مانند آزادی بیان، آزادی قلم، آزادی کار و غیره. مجموع آزادی‌هایی را که در یک جامعه، افراد از آن بهره‌مند هستند، اصطلاحاً حقوق بشر می‌نامند. (طباطبائی مومتمنی، ۱۳۷۶: ۱۷)

در دوره‌ی بیداری، آزادی از شاخص‌ترین مضمون‌های شعر فارسی است، آزادی در این دوره تقریباً به مفهوم دموکراسی غربی نزدیک می‌شود و به این معنی است که مردم علاوه بر این که از نظر فردی حقوق و آزادی‌هایی دارند، از نظر اجتماعی نیز مختارند سرنوشت سیاسی و اقتصادی سرزمین خود را معین کنند، چنین مایه‌هایی نخست بار در دوران مشروطیت پدید آمد. (باحقی، ۱۳۹۱: ۱۶)

دفاع از آزادی و انتقاد از اسارت از مسائلی است که پروین نیز متناسب با ادب زمان خویش در اشعارش همواره به آن نظر داشته، اما به علت خفقان سیاسی حاکم بر جامعه‌ی او به صورت مناظره و از زبان پرندگان که نماد آزادی هستند، به تبیین این مسأله پرداخته است. شاعر در قطعه‌ی «سرنوشت» اسارت را نکوهش و از آزادی دفاع می‌کند و از زبان جغدی که در ویرانه با آزادی زندگی می‌کند به طوطی که در قفسی زیبا و گران بها جلیس بزرگان و شاهان است، در دفاع از آزادی چنین می‌سراید:

چه سود صحبت شاهان چو نیست آزادی      چرا دهیم گرانمایه وقت را ارزان  
به رنج گوشه‌نشینی و فقر تن دادن      به از پریدن بی‌گاه و داشتن غم جان  
قفس نه جز قفس است از چه سیم و زر باشد      که صحن تنگ همان است و بام تنگ همان  
(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۵۲)

پروین مرغ گرفتار را نمادی برای انسان‌های آزاده‌ی در بند بیان می‌کند و در مثنوی «صید پریشان» بعد از توصیف احوال پرنده‌ای که در قفس حوادث گرفتار مانده است می‌گوید:

بگفت ای دوست ما را بیم جان نیست      کجا آسایش آزادگان است  
تو سر مستی و ما صید پریشان      تو آزادی و ما در بند فرمان  
اثرهای غم و شادی یکی نیست      گرفتاری و آزادی یکی نیست...  
(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۱۳۶)

پروین جهان را جولانگاه آزادی بیان می‌کند و آزاده بودن را نشان سروری می‌داند و با ستایش آزادی مخاطبان خود را به آزادی و آزادگی فرا می‌خواند.

چمن خوش است و جهان سبز و خرم      برای طائر آزاد جای جولانی است  
(همان: ۱۶)  
ز قید بندگی این بستگان شوند آزاد      اگر به شوق رهایی زنند بال و پر  
(همان: ۲۷۴)  
خواجه آن است که آزاده بود پروین      بانو آن است که باشد هنرش زیور  
(همان: ۳۳۸)  
قفس بشکن ای روح پرواز می‌کن      چرا پلی‌بند اندرین خاکدانی  
(همان: ۳۹۲)

## ۲-۲. بی‌عدالتی، نابرابری اجتماعی و فاصله‌ی طبقاتی در جامعه

برقراری عدالت اجتماعی همواره نقش بنیادینی در تنظیم روابط و مناسبات افراد جامعه ایفا می‌کند، برقراری عدالت اجتماعی علاوه بر حمایت مادی افراد جامعه تأثیر معنوی دارد و از آن احساس آرامش، امنیت و دل‌گرمی بر ادامه‌ی تلاش در زندگی حاصل می‌شود. عدالت خواهی از بارزترین مشخصه‌ی اخلاق مبتنی بر دین و عرفان اجتماعی پروین است. (مدرسی، ۱۳۸۵: ۹۰)

پروین با زبان شعر به تبیین و انتقاد از نابرابری‌های جامعه‌ی خویش پرداخته است. او در شعر «صاعقه‌ی ما ستم اغنیاست» نابرابری‌های اجتماعی جامعه را توصیف می‌کند. با آن که در اشعارش از حوادث مشخص و مرجع‌دار اسم نمی‌برد و در این افشاگری به دلیل اختناق بسیار خشن حاکم محتاط است اما پرده از چهره‌ی ناشایستگان زمان برمی‌کشد این شعر نفرت پروین را نسبت به زورمداران و عشقش را نسبت به مردم شریف و زحمت‌کش نشان می‌دهد (وزیری‌نسب، ۱۳۷۴: ۱۶) و از زبان برزگری بی‌عدالتی و نابرابری حاکم بر جامعه را چنین بیان می‌کند:

زین همه گنج و زر و ملک جهان      آن چه که ما راست همین بوریاست...  
عدل چه افتاد که منسوخ شد      رحمت و انصاف چرا کیمیاست

مردمی و عدل و مساوات نیست      زان ستم و جور و تعدی رواست  
(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۱۵۶)

پروین نابرابری‌ها و جور و ستم زورمداران و حکومت‌گزاران عصر خود را لمس کرده بود و به دلیل آشنایی با زبان انگلیسی به منابع تاریخی دست یافته بود و مشاهده کرد که شاهان در ادوار مختلف بزرگ‌ترین ستمی که روا داشته‌اند، آن بوده که ثروت ملی را به قهر تصاحب کرده و بر زیور خود افزوده‌اند. (چاوش‌اکبری، ۱۳۸۰: ۷۴) شاعر از زمانه‌ای سخن می‌گوید که نابرابری‌های اجتماعی بالا گرفته، عرصه بر ضعیف‌تنگ و بر غنی فراخ شده است، محرومان از حال دردمند خود ناله می‌کنند و به حال طبقات مرفه غبطه می‌خورند.

زمانه عرصه برای ضعیف‌تنگ گرفت      همواره بهر توانا فراخ میدانی است  
همیشه خانه‌ی بی‌داد و جور آباد است      بساط ماست که ویران ز باد و بارانی است  
هزار کاخ بلند از بنا کند صیاد      بهای خار و خس آشیان ویرانی است  
(همان، ۱۳۸۷: ۱۶۶)

پروین با انتقاد از نابرابری‌های اجتماع، حاکم وقت را به عدل، خرد و علم دعوت می‌کند.

به لشکر خرد و رأی و عدل علم‌گرای      سپاه اهرمن اندیشه زین سپاه کنند  
(همان: ۲۲۷)

پروین در قطعه‌ی «مناظره» نابرابری اجتماعی و فاصله‌ی طبقاتی حاکم بر عصرش را با بیان مباحثه‌ای که بین دو قطره‌ی خون اتفاق می‌افتد، با جلوه‌ای دیگر به تصویر می‌کشد.

یکی بگفت به آن دیگری، تو خون که‌ای      من اوفتاده‌ام اینجا ز دست تاجوری  
بگفت: من بچکیدم ز پای خارکنی      ز رنج خار که رفتش به پا چو نیشتری...  
به خنده گفت: میان من و تو فرق بسی است      توئی ز دست شهی من ز دست کارگری  
برای هم‌رهی و اتحاد با چو منی      خوش است اشک یتیمی و خون رنجبری  
تو از فراخ و عشرت آمدی به وجود      من از خمیدن پستی و زحمت کم‌تری  
تو را به مطبخ شه پخته شد همیشه طعام      مر به آتش آهی و آب چشم‌تری  
تو از فروغ می ناب سرخ رنگ شدی      من از نکوهش خار و سوزش جگری  
(همان: ۲۷۴)

شاعر از بهره‌مندی عده‌ای از مردم و بی‌نصیب ماندن عده‌ای دیگر رنج می‌برد و از نابرابری اجتماعی در بین دو قشر زحمت‌کش و مرفه چنین انتقاد می‌کند:

یکی زین سفره نان خشک برد آن دیگری حلوا      قضا گویی نمی‌دانست رسم میزبانی  
(همان: ۲۹۰)

## ۲-۳. جوانان

وضعیت جوانان از دیگر موضوعاتی است که پروین در اشعار خود به صورت مکرر به آن توجه کرده است و آنان را به صیانت از نعمت و گوهر بارزش جوانی و اهتمام و تلاش در دوران جوانی فرا می‌خواند.

بکوش اندر بهار زندگانی      که شد پیرایه‌ی پیری جوانی  
(همان: ۱۲۹)

در آن مکان که جوانی دمی و عمر شبی است      به خیره می‌طلبی عمر جاودانی را...  
تو زر و سیم نگهدار کاندترین بازار      به سیم و زر نخریده است کس جوانی را

(همان: ۱۵۴)

به روزگار جوانی خوش است کوشیدن چرا که خوش‌تر از این وقت روزگاری نیست

(همان: ۱۹۲)

چو دستگاه جوانیت هست سودی کن که هیچ سود چو سرمایه‌ی جوانی نیست

(همان: ۱۹۶)

شاعر جوانی را زمان کار و شایستگی و توشه‌ای برای پیری بیان می‌کند و آن را متاعی غیرقابل خرید و فروش می‌داند، از جوانان می‌خواهد که قدر و ارزش این دوران گرانمایه را بدانند و از غفلت و بی‌خبری به دور باشند.

چو بفروختی از که خواهی خرید متاع جوانی به بازار نیست

جوانی گه کار و شایستگی است گه خودپسندی و پندار نیست

(همان: ۱۹۷)

جوانی نکو دار کاین مرغ زیبا نماند در این خانه‌ی استخوانی

متاعی که من دادم از کف تو گر می‌توانی مده رایگانی

(همان: ۲۷۵)

مخسب آسوده ای برنا که اندر نوبت پیری به حسرت یاد خواهی کرد ایام جوانی را

(همان: ۲۸۸)

## ۲-۴. توجه به حال ایتام و حقوق آن‌ها

توجه به احوال کودکان یتیم از مباحثی است که در دستورات پیشوایان دین اسلام به آن توجه بسیاری شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ» (بقره/ ۲۲۰) و بدین وسیله مؤمنان را به اصلاح امور ایتام شفاف می‌کند. بی‌مهری نسبت به کودکان یتیم و عدم حمایت از آنان از جمله دغدغه‌های فکری پروین نیز است. این مقوله همواره مورد نظر اوست و با خلق صحنه‌هایی رقت‌انگیز توجه هموعانش را به آن منعطف می‌کند و از ضایع شدن حقوق یتیمان انتقاد می‌کند و از زبان کودکان یتیم درد و رنج و محرومیت آنان را بازگو می‌کند:

چیزها دیده و نخواستهم  
روی مادر ندیده‌ام هرگز  
کودکان گریه می‌کنند و مرا  
جامه‌ام را به نیم جو نخرند  
کودکی گفت: مسکن تو کجاست؟  
درس‌هایم نخوانده ماند تمام  
دل من هم دل است، آهن نیست  
چشم طفل یتیم روشن نیست  
فرستی بهر گریه کردن نیست...  
این چنین جامه جای ارزان نیست...  
گفتم آن جا که هیچ مسکن نیست...  
چه کنم در چراغ روغن نیست...

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۰۲)

عواطف بشردوستی و حمایت از یتیمان، ستم‌دیدگان و... که در شعر پروین به صورت واکنش روحی لطیف و مادرانه بروز کرده است، از درون جان او جوشیده و سرشار از صمیمیت و صداقت است. (قدمیاری، ۱۳۸۸: ۱۵۶)



دی کودکی به دامن مادر گریست زار  
 طفلی مرا ز پهلوی خود بی‌گناه راند  
 اطفال را به صحبت من از چه میل نیست؟  
 هرگز درون مطبخ ما هیز می نسوخت  
 همسایگان ما بره و مرغ می‌خورند  
 کز کودکان کوی به من کس نظر نکرد  
 آن تیر طعنه، زخم کم از نیشتر نداشت  
 کودک مگر نبود، کسی کو پدر نداشت؟...  
 وین شمع، روشنایی از این بیشتر نداشت  
 کس جز من و تو، قوت ز خون جگر نداشت...  
 (همان: ۲۰۹)

شاعر در قطعه‌ی «تهیدست» با خلق صحنه‌ای دیگر از رنج و عذاب روحی یتیمان بخاطر بی‌مهری اطرافیان سخن می‌گوید:

دختری خرد به مهمانی رفت  
 آن یک افکند بر ابروی گره  
 گفت: خندید بر افتاده، سپهر  
 کس به رویم در شادی نگشود  
 کس درین ره نگرفت از دستم  
 در صف دخترکی خرد خزید  
 وین یکی جامه به یک سوی کشید...  
 ز آن شما نیز به من می‌خندید...  
 آن که در بست، نهان کرد کلید...  
 قدمی رفتم و پایم لرزید...  
 (همان: ۲۱۸)

## ۲-۵. توصیه به سعی، تلاش و کار

«کار» از مقوله‌های بااهمیت در هر جامعه‌ای است، امام خمینی (ره) درباره‌ی ارزش والای کار چنین می‌فرماید: «کار نظیر «وجود» است که در همه‌ی شئون عالم دخالت دارد، عالم موجود شده از فعالیت بعضی خداوند است، اجزای عالم از فعالیت‌هایی که موجودات دارند، موجود شده است. هیچ موجودی را نمی‌توان سراغ گرفت، الا این که کارگر و کار در او موجود است و خودش کار است. کارگرها هم از کار پیدا شده‌اند، کار بر همه‌ی عوالم احاطه دارد و مبدأ همه‌ی موجودات است. حق تعالی مبدأ کارگری است و حتی عالم مابعدالطبیعه نیز از کار است، کار مثل جلوه‌ی حق تعالی است که در تمام موجودات سرایت کرده است». (تبیان، ۱۳۸۱: ۲۱۴)

پروین نیز به طور چشم‌گیری به مسئله‌ی تلاش و کار در اشعارش پرداخته است و با آوردن تمثیل‌هایی از کوشش سایر جانداران در طبیعت، مخاطبان خود را به تلاش و تکاپو فرا می‌خواند، او هر گونه کاهلی را نکوهش می‌کند و داشتن وجدان کاری و سعی و تلاش را راه رسیدن به عافیت، رستگاری و آسایش بیان می‌کند.

تا گوهری در صدف کار بود  
 گوهری وقت خریدار بود

(همان: ۶۵)

کار را کارگر نیک دهد رونق  
 چه کند کاهل نادان تن‌آسانش

(همان: ۳۴۸)

بگشای گر که زنده دلی وقت پویه چشم  
 بردار گر که کارگری، بهر کار گام

(همان: ۳۵۰)

چه می‌دزدی از فرصت کار و کوشش

تو خود نیز کالای دزد جهانی

(همان: ۳۹۱)

به تعبیر یوسف اعتصامی، شعر پروین، شعر اوقات و احوال اشخاص نیست، نغمه‌ی جذاب سعی، عمل، همت و اقدام است. (قدمیاری، ۱۳۸۸: ۷۱) او سعی و عمل را همچون بنا و سعادت را به سان بنایی می‌داند و بر این نکته تاکید دارد که کار باعث کاهش ارزش انسان نمی‌شود بلکه تن‌پروری از قدر انسان می‌کاهد و راستی در کار را به مخاطبانش توصیه می‌کند.

سعی کن ای کودک مهد امید      سعی تو بنا و سعادت بناست

(همان: ۱۵۶)

به ملک زندگی ای دوست، رنج باید برد      دلی که مرد، سزاوار ز نوگانی نیست

(همان: ۱۹۶)

دین از تو کار خواهد و کار از تو راستی      این درد با مباحثه درمان نمی‌شود

(همان: ۳۲۴)

پروین مخاطبان خود را به سعی دعوت می‌کند، با طرح مناظره‌ای بین مور و مار ارزش و دلیل سعی و تلاش را به مخاطبان خود تبیین می‌کند و کار را وظیفه‌ی هر موجود زنده‌ای می‌داند. جز سعی نیست مورچگان را وظیفه‌ای با فکر سیر و خفتن خوش، مور را چه کار...

(همان: ۳۳۳)

پروین زنان را نیز به همت و تلاش سوق می‌دهد و کار را لازمه‌ی آبادی هر زمین خرابی می‌داند.

غنچه‌ای زین شاخه، ما را زیب دست و دامن است      همتی، ای خواهران تا فرصت کوشیدن است

(همان: ۲۶۳)

شاعر همت، عزم و عقل را همچون گنج می‌داند و کسی را که سعی و رنج پیشه می‌کند بهترین گنجور معرفی می‌کند.

عقل و رای و عزم و همت گنج توست      بهترین گنجور سعی و رنج توست

(همان: ۸۲)

## ۲-۶. حمایت از اقشار زحمت‌کش و انتقاد از فقر و محرومیت

توجه به مردم یکی از ویژگی‌های شعر عصر بیداری است، شعر هم از جهت مفهوم و مضمون و هم از جهت زبان و قالب و حتی تخیل به صورتی درآمد که بتواند شاعر را به عامه‌ی مردم برساند، اشتیاق شاعران برای نشان دادن خواست‌ها و نیازهای توده‌ی مردم و آشنایی گروهی از ایرانیان با جریان‌های ادبی و اجتماعی که در آستانه‌ی انقلاب اکتبر (۱۹۱۷م) در روسیه‌ی تزاری می -

گذشت، سبب شد که شاخه‌ای از ادبیات به ویژه در شعر دوره‌ی بیداری، نیازها و محرومیت‌های توده‌ی مردم را موضوع اصلی خود قرار دهد و به دفاع از حقوق محرومان و رنجبران برخیزد از شاخه‌ای که این ویژگی را در خود منعکس می‌کرد، به «ادبیات کارگری» یاد می‌شود. (یاحقی، ۱۳۹۱: ۱۸)

پروین یک پدیده‌ی جداگانه در شعر عصر و تقریباً در سراسر گذشته‌ی ادبی ایران بود. نه فقط در بین تمام زنان شاعر در آن - چه در شعر، وعظ و تحقیق خوانده می‌شد به شیوایی و استواری استادان گذشته قدرت و مهارت نشان می‌داد بلکه مخصوصاً از این جهت نیز که به صراحت و کنایه بر بی‌سامانی‌های اخلاقی عصر اعتراض می‌کرد. شعر او انعکاس صدای مظلومان و محرومان جامعه بود. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۵۳۸) او با چنین دیدگاهی متفن و عقیده‌ای استوار به تبیین مسائل اجتماعی جامعه‌ی خویش در سرده - هایش می‌پردازد و مخاطبان خود را به سوی کمال و سعادت سوق می‌دهد. وی در بخشی از سروده‌های خود، محکوم بودن طبقه - ی زحمت‌کش به پیشه‌ی خود و رنج و محرومیت را در اشعارش به تصویر می‌کشد. شاعر از رفتار ناشایسته با طبقات محروم و پایمال شدن حقوق آنان انتقاد می‌کند و کارگران را در خور احترام و اکرام می‌داند.

برزگری پند به فرزند داد	کای پسر این پیشه، پس از من تو راست
مدت ما جمله به محنت گذشت	نوبت خون خوردن و رنج شماست...
از غم باران و گل و برف و سیل	قامت دهقان به جوانی دوتااست...
رنجبر ار شاه بود وقت شام	باز چو شب روز شود بی‌نواست...
در عوض رنج و سزای عمل	آنچه رعیت شنود ناسزااست
چند شود بار کش این و آن	زارع بدبخت مگر چارپاست...
گشته حق کارگران پایمال	بر صفت غله که در آسیاست...

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۱۵۸)

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ثروتمندی در غربت مانند در وطن بودن است و تهیدستی در وطن غربت است». (نهج البلاغه حکمت ۵۶) پروین نیز با تأسی از فرمایش این امام بزرگ، همین مضمون را چنین بیان می‌کند:

ما فقرا، از همه بیگانه‌ایم      مرد غنی با همه کس آشناست

(همان: ۱۵۸)

دولت چه شد که چهره ز درماندگان بتافت      اقبال از چه راه ز بیچارگان رمید

(همان: ۲۱۷)

چرا کنند کم از دست‌رنج مسکینان؟      چرا به مظلومه افزون به مال و جاه کنند؟

(همان: ۲۲۷)

عشق پروین در کلمه‌ی «انسان‌دوستی» خلاصه می‌شود، او یک شاعر هیومنیتی است و مسلماً از انسان محروم باید دفاع بکند و بر ظالم بتازد. (چاوش‌اکبری، ۱۳۸۰: ۷۲) شاعر در قطعه‌ی «نغمه رفوگر» مرد رفوگر را تمثیلی برای اقشار محروم جامعه‌ی عصر خویش بیان می‌کند که با وجود غایت سختی در فقر و نداری گذران زندگی می‌کند و چنین می‌سراید:

من به هر جایی که مسکن می‌کنم	با من آنجا بخت بد هم مسکن است...
جامه‌ها کردم رفو، اما به تن	جامه‌ای دارم که چون پرویزن است...
این همه جان کندن و سوزن زدن	گور خود با نوک سوزن کندن است...
سوزنش صد نیش زد، این خیرگی	دست‌مزد دست لرزان من است

(همان: ۱۷۶)

عواطف بشردوستانه و حمایت از محرومان و ستمدیدگان در اشعار پروین، هم نشان‌دهنده‌ی هنر وی است و هم حاکی از کمال و انسانیت این بانوی هنرمند است. (برهانی، ۱۳۸۵: ۲۶) وی در قطعه‌ی «ای رنجبر» به صراحت حمایت خود را از اقشار زحمت‌کش جامعه اعلام می‌کند و آنان به دفاع از حقوق پایمال شده‌ی رنجبران فرا می‌خواند.

تا به کی جان‌کندن اندر آفتاب، ای رنجبر  
ریختن از بهر نان از چهره آب، ای رنجبر  
از حقوق پایمال خویشتن کن پرسشی  
چند می‌ترسی ز هر خان و جناب، ای رنجبر  
(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۳۳۴)

فقر و محرومیت یکی از بحران‌های تأمل برانگیز در هر جامعه‌ای است، این مسأله آن قدر اهمیت دارد که خداوند در قرآن مجید رسیدگی به حال آنان را سفارش می‌کند و می‌فرماید: «وَآتِ ذَٰلِقُرْبَى حَقَّهُ وَٱلْمِسْكِينَ» (الاسراء/ ۲۶) پروین به تبع توصیه حاکمان به حمایت از اقشار زحمت‌کش جامعه، از فقر و محرومیت موجود در جامعه انتقاد می‌کند. وی پیوسته و صمیمانه به مردم می‌اندیشد و با آگاهی از واقعیت‌های زندگی مردم، به توصیف وضعیت آنان می‌پردازد، تبیین فقر توده‌های مردم از برجسته‌ترین درون‌مایه‌های مردمی است که شعر پروین به آن آمیخته است. (نیکوبخت و زارع، ۱۳۸۵: ۱۱۸) فقر و تنگدستی که از دغدغه‌های اصلی پروین است، در افکار و احساسات او تأثیر عمیقی داشته و به صورت گسترده در اشعارش منعکس شده است. شاعر با خلق تصاویری از زندگی فقیرانه قشر محروم جامعه، از این معضل اجتماعی به شدت انتقاد کرده است.

بر سر راهی گدایی تیره روز  
نالها می‌کرد، با صد آه و سوز  
خدا، بی‌خانه و بی‌روزیم  
ز آتش ادبار خوش می‌سوزیم...  
آسمان، کس را بدین پستی نکشت  
چون من از درد تهی‌دستی نکشت  
ایستادم در پس درها بسی  
داد دشنامم کسی و ناکسی...

(اعتصامی: ۸۰)

هنگام چاشت سفره‌ی بی‌نان ما ببین  
تا بنگری که نام و نشان از رفاه نیست

(همان: ۲۰۰)

در بیان اثرات زیان‌بار فقر و نداری همین بس است که حضرت علی (ع) فقر را مرگ بزرگ بیان می‌کند. (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۳) پروین نیز وضعیتی از جامعه را به تصویر می‌کشد که فقر و فلاکت در آن بالا گرفته و مردم مرگ را تنها راه چاره برای گریز از چنگال فقر می‌بینند و در قطعه‌ی «بی‌پدر» از زبان دختری که به دلیل تهیدستی پدر خود را از دست داده چنین می‌سراید:

گریه‌ام بهر پدر نیست که او  
مرد و از رنج تهیدستی رست...  
شصت سال آفت این دریا دید  
هیچ ماهیش نیفتاد به دست...

(همان: ۱۸۵)

## ۲-۷. انتقاد از تجمل

برای این که انسان به مقام شامخ آدمیت نایا شود و در راه هدایتی حق قدم بردارد، در وهله‌ی نخست باید خود را از تجملات و دنیاپرستی دور کند و زرپرستی قدرتمندان را در هر جایی که هست، افشا کند. (برهانی، ۱۳۸۵: ۴۷) تجمل‌گرایی از شاخصه‌های بارز دولت‌های مستبد و خودکامه است، پروین نیز به خوبی از این معضل اجتماعی جامعه‌ی خویش آگاه است و در ابیات متنوع با دیدی انتقادی تجمل‌پرستی طبقات مرفه جامعه‌ی زمان خود را به تصویر می‌کشد:

گفت: دیوار قصر پادشاهی  
که بلندی مرا سزاوار است...  
نقش بام و درم ز سیم و زر است  
پرده‌ام از حریر گلنار است...

قفل سیمم به نزد سیمگر است

پرده‌ی اطلسم به بازار است

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۱۷۷)

به جای پرده‌ی تقوی که عیب جان پوشد ز جسم آویختیم این پرده‌های پرنیانی را

(همان: ۲۸۹)

پروین از سیم‌پرستی مردم زمان خود انتقاد می‌کند و زرق و برق دنیوی را دشمنی برای انسان‌ها می‌داند و هم‌نوعان خود را به دوری از آن و فرا می‌خواند و ساده‌زیستی را به جای تجمل‌گرایی توصیه می‌کند.

همیشه فرصت ما صرف شد در این معنی که نرخ جامه‌ی بهمان چه بود و کفش فلان

(همان: ۲۵۳)

دور شو از رنگ و روی بیبده پروین از در معنی در نه از در عنوان

(همان: ۳۶۲)

## ۲-۸. رشوه‌خواری

رشوه‌خواری از دیگر معضلات اجتماعی عصر پروین است که اکثر کارگزاران دولتی دامن خود را به آن آلوده‌اند، شاعر ضمن نکوهش این عمل غیرانسانی، در ابیات متعدد از آلوده بودن دامن برخی از کارگزاران حکومتی به این گناه پرده برمی‌دارد، وجودی را پاک می‌داند که از رشوه‌خواری به دور باشد.

آن سفله‌ای که مفتی و قاضی است نام او تا پود و تار جامه‌اش از رشوه و ریاست  
گر درهمی دهند بهشتی طمع کنند کو آن چنان عبادتی که ز روی و ریاست

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۳۰۳)

حاکم شرعی که بهر رشوه فتوی می‌دهد کی دهد عرض فقیران را جواب، ای رنجبر

(همان: ۳۳۴)

ز رشوه اسب خریدیم و خانه و باغ به اشک بیوه زنان حفظ آبرو کردیم

(همان: ۳۵۹)

شاعر در شعر «مست و هوشیار» کردار محتسبی را به تصویر می‌کشد که به شخص سرمست درخواست رشوه می‌کند تا او را از مجازات باز دارد.

گفت: دیناری بده، پنهان و خود را وارهان گفت: کار شرع کار درهم و دینار نیست  
گفت: از بهر غرامت جامه‌ات بیرون کنم گفت: پوسیده‌است جز نقشی ز پود و تار نیست

(همان: ۲۰۸)

نفس جو داد که گندم ز تو بستاند به که هرگز ندهی رشوت و نستانی

(همان: ۳۸۲)

## ۲-۹. منزلت زن و دفاع از حقوق او

مسأله‌ی زن، امروز در دنیا باید به عنوان «بحران زن» آن را نامید، یکی از اساسی‌ترین مسائل هر تمدنی است. نقش زن هر چه قدر برجسته شود، خیلی بهتر است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۷) در ایران، در عصر زندگانی پروین، مسأله‌ی زنان به دلیل تأثیرپذیری از تحولات جهان، از بعد فرهنگی گذشته خارج شده و به مسأله‌ی سیاسی تبدیل شده بود. اما شاعر ما اگرچه در جریان‌ات اجتماعی

مربوط به زنان در جنبش آزادی و حقوق زنان عملاً مداخله نمی‌کرد، با همه‌ی این‌ها هنگامی که زمینه برای دخالت فعال زنان در امور اجتماعی مساعد شد، اشعاری سرود. (آرین‌پور، ۱۳۷۴: ۵۴۰)

در رابطه با آموزش و تعلیم زنان دیدگاه‌های فمینیست‌های لیبرال بسیار تأثیر داشت، دست‌یابی دختران به فرصت‌های برابر را در نظام آموزشی باید مدیون تلاش‌های این گروه دانست. به اعتقاد لیبرال‌فمینیست‌ها دختران باید از بخت مساوی برای آموزش برخوردار باشند، این گروه موفقیت را در رشد پیشرفت‌های تحصیلی، کسب نتایج بهتر در امتحانات و افزایش نسبت ورود دختران به دانشگاه‌ها می‌بینند. (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۹۲)

نگاهی ژرف در اشعار پروین هم نشان می‌دهد که شاعر به مسأله‌ی آموزش زنان در عصر خود بی‌تفاوت نبوده و همواره آنان را به کسب علم، دانش و تلاش دعوت کرده است. پروین ضمن اشاره به اهمیت نقش مادری زنان در تربیت نسلی آگاه و باشعور، دانایی را مهم‌ترین شرط برای اجرای صحیح نقش مادری می‌داند.

سوق دادن زنان به تحمل و مصرف‌گرایی در حقیقت ستم در حق زنان است، هیچ ظلمی بالاتر از این نیست زیرا که این رفتار زن را به کلی از آرمان‌ها و اهداف تکاملی خودش غافل و منصرف می‌کند و به چیزهای خیلی حقیر سرگرم می‌کند. (خامنهای، ۱۳۹۱: ۵۰) پروین ارزش واقعی زن را در سادگی، پاکی و پرهیز او می‌داند و عقیده دارد، زن باید مقلد نباشد و خود استقلال فکری و فرهنگی داشته باشد و به ارزش هنر ملکوتی خود پی ببرد. (برهان، ۱۳۸۵: ۶۸) پروین نیز از این معضل به خوبی آگاه است و برای دوری زنان جامعه‌ی خود از تجمل، آنان را به فراگرفتن علم سوق می‌دهد.

زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان...  
نه بانوست که خود را بزرگ می‌شمرد به گوشواره و طوق و مرجان...  
برای گردن و دست زن نکو پروین سزاست گوهر دانش نه گوهر الوان  
(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۵۵)  
خواجه آن است که آزاده بود پروین بانو آن است که باشد هنرش زیور  
(همان: ۳۳۶)

پروین در مثنوی «دو محضر» با طرح مناظره‌ای بین یک زن و شوهر ارزش کار زن در خانه را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که کار یک زن خانه‌دار آن قدرها که مردها فکر می‌کنند سهل نیست و از حقوق زنان خانه‌دار و اهمیت نقش آنان در اداره‌ی امور خانه و تربیت فرزندان دفاع می‌کند. در این مناظره استدلالی که پروین از زبان زن قاضی برای اثبات نقش زن در تنظیم امور خانواده می‌آورد، بسیار خردمندانه است.

تو به محضر داوری کردی هزار لیک اندر خانه درماندی ز کار  
گرچه ترسانی خلاق را بسی از در خانه نمی‌ترسد کسی  
تو بسی گفتی ز کار خویشتن من نگفتم هیچ و دیدی کار من  
هر که بینی رشته‌ای دارد به دست هر کجا راهی است، رهپوئیش است  
(همان: ۱۱۵)

پروین نیز مانند دیگر شاعران مشروطه بیان‌کننده همان افکار تغییر جایگاه زن در اجتماع است و تلاش کرده است با تبیین این مسأله که زن و مرد با هم برابرند، افق دید مردان را به زنان بشکنند و اثبات کند که زنان در حالی که نیمی از جمعیت یک کشور را تشکیل می‌دهند، می‌توانند نقش مهمی در گردش چرخه‌های اقتصادی، اجتماعی و ... داشته باشند. (صادقی‌گیوی و پرهیزکاری، ۱۳۸۹: ۲۲۳)

در ایدئولوژی شاعر یکی از دلایل عقب‌ماندگی زنان بی‌بهره بودن آنان از دانش و علم است، پروین علم و دانایی را ملاک برتری انسان‌ها می‌داند، با این تفکر بر عقیده‌ی برتری مرد بر زن خط بطلان می‌کشد. پروین از حقوق پامال شده‌ی زنان در جامعه‌ی خود انتقاد می‌کند و بر تساوی حقوق انسانی زنان و مردان، به عنوان شرط اساسی برای آزادی زنان تأکید می‌کند.

روان به هیچ مبحث و دیباچه‌ای قضا ننوشت  
وظیفه‌ی زن و مرد، ای حکیم دانی چیست؟  
برای مرد کمال و برای زن نقصان  
یکی است کشتی و آن دیگر است کشتیبان  
(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۵۴)

از چه نسوان از حقوق خویشتن بی‌بهره‌اند  
پستی نسوان ایران، جمله از بی‌دانشی است  
نام این قوم از چه دور افتاده از هر دفتری...  
مرد یا زن برتری در رتبت از دانستن است  
تا نگوید کسی، پسر هوشیار و دختر کودن است  
(همان: ۲۶۳)

پروین زن را همچون فرشته‌ای می‌داند که با ایفای کامل وظایف خود باعث ایجاد انس و شفقت، امنیت و نظم در نظام خانواده می‌شوند و دلیل هستی مردان بزرگ را منعطف به وجود مادران می‌داند.

در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست  
فرشته بود زن آن زمان که چهره نمود  
در آن وجود که دل مرد، مرده است...  
فرشته بین که بر او طعنه می‌زند شیطان...  
به کاهواری مادر به کودکی بس خفت  
چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه  
سپس به مکتب حکمت حکیم شد لقمان...  
شدند یکسره شاگرد این دبیرستان...  
حدیث مهر کجا خواند طفل بی‌مادر  
نظام و امن کجا یافت ملک بی‌سلطان...  
همیشه دختر امروز مادر فرداست  
ز مادرست میسر بزرگی پسران...  
(همان: ۲۵۴)

شاعر زن را رکن اصلی بنیان هستی معرفی می‌کند، او زن و مرد را مکمل هم بیان می‌کند، وجود هر دو را در کنار همدیگر برای زندگی لازم می‌داند و در اشعار خود اهمیت زنان را در زندگی چنین تبیین می‌کند:

زن از نخست بود رکن خانه‌ی هستی  
وظیفه‌ی زن و مرد ای حکیم، دانی چیست؟  
که ساخت خانه‌ی بی‌پای بست و بی‌بنیان؟...  
یکی است کشتی و آن دیگر است کشتیبان  
چو ناخداست خردمند و کشتیش محکم  
دگر چه باک ز امواج و ورطه و طوفان  
توان و توش ره مرد چیست؟ یاری زن  
حطام و ثروت زن چیست؟ مهر فرزندان  
(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۵۵)

هدف پروین از سرودن این گونه اشعار در خصوص زنان، طرح هویت مستقل برای زنان است، از دیدگاه او زمان آن به پایان رسیده است که موجودیت زن در ارتباط با مرد تعریف شود. پروین به دنبال آن است که این امکان فراهم شود تا زنان بتوانند جایگاه خویش را در جامعه یافته و صدای خود را در عرصه‌های مختلف به گوش دیگران برسانند. (صادقی‌گیوی، پرهیزکاری، ۱۳۸۹: ۲۲۳)

## ۲-۱۰. انتقاد از بی‌مهتری مردم زمان نسبت به همدیگر

پروین جامعه‌ی بشری را کل به هم پیوسته‌ای می‌داند که در آن سعادت فردی یکسره بی‌معنی است، از نظر پروین انسان راستین کسی است که در اندیشه‌ی دیگران نیز باشد. (قدمیاری، ۱۳۸۸: ۲۳۰) این نگرش شاعر بیانگر ارزش والای نوع‌دوستی را در وجود او است. بی‌مهتری مردم نسبت به همنوعان خودشان از مسائلی است که پروین را سخت دل‌آزرده کرده و باعث شده که شاعر از بی‌تفاوتی اغنیا در حق مساکین در اشعار خود به شدت انتقاد کند.

ز رنج بی‌سر و سامانی منش چه غم است  
همین بس است که او را سری و سامانی است...

در این قبیله‌ی خودخواه هیچ شفقت نیست      چو نیک در نگری هر چه هست عنوانی است  
(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۱۶۷)

پروین، توان‌گران غم‌درویشان نمی‌خورند      بیهوده‌اش مکوب که سرد است این حدیث  
(همان: ۲۱۷)

شاعر در قطعه‌ی «بی‌پدر» از زبان کودکی یتیم نمونه‌ای دیگر از نامهربانی مردم جامعه‌ی خود را چنین به تصویر می‌کشد:

پدرم مرد ز بی‌دارویی      وندین کوی سه داروگر هست...  
سوی همسایه پی نان رفتم      تا مرا دید در خانه بیست  
همه دیدند مه افتاد ز پای      لیک روزی نگرفتندش دست...

(همان: ۱۸۵)

در قطعه‌ی «روح آزاده» شاعر از احوال جوانی سخن می‌گوید که از روزگار آشفته‌ی خود چنین شکوه می‌کند:

به شکوه گفت: جوانی فقیر با پیری      به روزگار، مرا روی شادمانی نیست...  
به دهر هیچ کس مهربان نشد با من      مرا خبر ز ره و رسم مهربانی نیست...

(همان: ۱۹۵)

### ۳. نتیجه‌گیری

ادبیات عصر مشروطه مانند آینه‌ای مسائل آن عصر را در خود منعکس کرده است. پروین اعتصامی، به عنوان عضوی از اعضای خانواده‌ی ادب فارسی این دوره، همچون هنرمندان متعهد هم‌عصرش مضامین غالب بر این دوره را با دیدی منتقدانه و همراه با عواطف بشردوستانه، در شعرش منعکس کرده‌است. وی برای استقرار حق و عدالت در جامعه و زدودن اعمال و کردار غیر انسانی توانسته است، مسائل اجتماعی جامعه‌ی خویش را با استادی تمام در ترازوی نقد قرار دهد و ضمن افشای رفتار ناپسند کارگزاران حکومت عصر خویش، آنان را به طریق غیر مستقیم متنبه سازد و با سلاح قلم در راه اصلاح جامعه‌ی خویش با استواری قدم بردارد. وی با بهره‌گیری از شیوه‌ی حکایت، تمثیل و مناظره با گیرایی هرچه بیشتر و مؤثرتر، آلام هم‌نوعانش را به گوش مسؤلان زمان خود و حتی جهانیان رسانده است. وی با ابداع مضامین بدیع و غریب به اظهار رأی در مسائل فلسفی، اخلاقی و اجتماعی پرداخته است و این نشان نبوغ شاعر است، نبوغی که در اثر کسب تجربه و لمس عینی فضای جامعه‌ی خویش عاید او شده است. شاعر به دلیل برخورداری از اصالت هنر و استقلال فکری، پیام بشردوستی خویش را نه تنها به هم‌وطنان خود، بلکه خطاب به تمامی انسان - ها اعلام می‌کند، این خصوصیت پروین و نشان کمال انسانیت او است و نیز همین خصوصیت است که باعث ماندگاری و جهانی شدن شعر پروین شده است.

### منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آبوت، والاس، پاملا، کلا. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی، چاپ چهارم، تهران: نی.
- ۳- آرتین پور، یحیی. (۱۳۷۴). از نیما تا روزگار ما، تهران: زوار.
- ۴- اسماعیل، عزالدین. (۱۳۹۱). بررسی جنبه‌های هنری - معنایی شعر معاصر عرب، ترجمه‌ی حسین سیدی، مشهد: ترانه.



- ۵- اعتصامی، پروین. (۱۳۸۷). مجموعه اشعار پروین اعتصامی، چاپ چهارم، تهران: نگاه.
- ۶- برهانی، محمد. (۱۳۸۵). جهان‌بینی توحیدی در شعر پروین اعتصامی، تهران: نسل نواندیش.
- ۷- بشارتی، علی محمد. (۱۳۶۸). شاهد شهیدان تجزیه و تحلیل زندگی سیاسی امام حسین (ع)، تهران: سوره مهر.
- ۸- تبیان. (۱۳۸۱). اقصای اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۹- چاوش‌اکبری تبریزی، رحیم. (۱۳۸۰). حکیم بانوی شعر فارسی، چاپ دوم، تهران: ثالث.
- ۱۰- خامنه‌ای، علی. (۱۳۹۱). زن و بازیابی هویت حقیقی، تهران: انقلاب اسلامی، چاپ ششم. (به کوشش محسن کربلایی نظر و جمعی از محققین - گزیده بیانات رهبر معظم)
- ۱۱- دیچز، دیوید. (۱۳۸۸). شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه‌ی محمدتقی امیرصدقیانی و غلامحسین یوسفی، چاپ ششم، تهران: علمی
- ۱۲- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). از گذشته ادبی ایران، چاپ دوم، تهران: سخن.
- ۱۳- شوکینگه لوین‌ل. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی ذوق ادبی، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: طوس.
- ۱۴- طباطبائی موتمنی، منوچهر. (۱۳۷۵). آزادیهای عمومی و حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۵- علی بن ابیطالب. (۱۳۸۶). نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم: میراث ماندگار.
- ۱۶- فیضی، کریم. (۱۳۸۳). راز پروین، قم: مطبوعات دینی.
- ۱۷- قدمیاری، مجید. (۱۳۸۸). معجزه‌ی پروین، تهران: سخن.
- ۱۸- کهنمویی‌پور، ژاله. (۱۳۸۹). نقد جامعه‌شناختی و لوسین گولدمن، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۹- وزیری نسب فرشته. (۱۳۷۴). تهیه و تدوین دیوان پروین اعتصامی، تهران: پرنگار پارس.
- ۲۰- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۹۱). جویبار لحظه‌ها، چاپ چهاردهم، تهران: جامی.

#### مجموعه مقالات:

- اکبری، منوچهر. (۱۳۸۵). «خلاصه مقالات کنگره نکوداشت یک‌صدمین سال تولد پروین»، تهران.
- طباطبایی اردکانی، محمود. (۱۳۷۶). «یادمان پروین»، تهران.

#### مقاله:

- صادقی گیوی، پرهیزکار، مریم بهاره. (۱۳۹۰). «تبیین هویت سنتی و مدرن زن در شعر پروین اعتصامی»، مجله‌ی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، صص ۲۰۸-۲۲۷.